

«ام وهب» اولین با نوب شهید کربلا

در حادثه کربلا زنانی بودند که در کنار همسرانشان، وسط میدان رزم، مبارزه کردند و به شهادت رسیدند. ام وهب یکی از این زنان بود.

او از حاضران در عرصه کربلا و از معدود زنان غیروابسته به بنی‌هاشم بود که به همراه همسر خویش - عبدالله بن عمیر کلبی - به کربلا آمد و سرانجام در کنار همسر خود به شهادت رسید.

ام وهب و همسرش در نزدیکی کوفه زندگی می‌کردند. روزی عبدالله بن عمیر متوجه گروهی از کوفیان شد که به سوی اردوگاه نخيله در حرکت‌اند. از آنها پرسید قصد چه کاری دارید؟ به او گفتند: برای جنگ با حسین فرزند فاطمه آماده می‌شویم. عبدالله با شنیدن این سخن، تصمیم گرفت که هرچه زودتر به یاری امام حسین(ع) بشتابد. عبدالله نزد همسرش - ام وهب - رفت و او را از این ماجرا آگاه کرد. ام وهب گفت: «درست اندیشیده‌ای، خداوند تو را به بهترین راه‌ها و درست‌ترین اندیشه‌ها راهنمایی کند، همین کار را بکن و مرا نیز با خود ببر». او به همراه همسرش شبانه از شهر خارج شد و خود را به اردوگاه امام حسین(ع) رساند.

در روز عاشورا وقتی عبدالله بن عمیر به میدان رزم رفت، ام وهب عمود خیمه‌ای را برداشت و به طرف همسر خود حرکت کرد و چون به نزد او رسید، او را مورد خطاب قرار داد و گفت: «پدر و مادرم به فدایت! در راه پاکان و فرزندان حضرت محمد نبرد کن». عبدالله بن عمیر سعی کرد او را به خیمه برگرداند، اما ام‌وهب نمی‌پذیرفت. ام‌وهب لباس همسر خود را گرفته و می‌گفت: «تو را رها نمی‌کنم تا همراه تو کشته شوم». امام حسین(ع) به سوی ام وهب رفت و او را مورد خطاب قرار داد و فرمود: «از خاندان پیامبرتان جزای خیر نصیب‌تان گردد به خیمه برگرد». ام وهب پذیرفت و به خیمه بازگشت. پس از مدتی عبدالله بن عمیر به شهادت رسید. پس از شهادت او، ام وهب بر بالینش حاضر شد و در کنار جسم بی‌جان‌ش نشست. او خاک از رخسار عبدالله پاک کرد و گفت: «بهشت بر تو گوارا باد! از خداوندی که بهشت را روزی تو گردانید می‌خواهم که مرا نیز همنشین تو قرار دهد».

در این هنگام شمر بن ذی‌الجوشن به غلام خود رستم دستور داد با عمود بر فرق آن زن بکوبد؛ رستم نیز چنین کرد و عمود خود را بر سر آن

زن فرود آورد. در اثر این ضربه ام وهب به آرزوی خود رسید و اولین بانوی شهید کربلا لقب گرفت.